

تبیین جرم‌شناختی سرقت جوانان در شهر یزد

ابراهیم رجیبی^۱ و حمیدرضا رضایی^۲

چکیده

زمینه و هدف: در این پژوهش نقش عوامل جرم‌شناختی مؤثر بر سرقت، در قالب رویکردهای اجتماعی و روانشناسی مطالعه شد. با توجه به اینکه سرقت یک پدیده پیچیده اقتصادی، اجتماعی است نمی‌توان با یک نظریه این پدیده را تبیین کرد؛ بنابراین از یک چارچوب نظری ترکیبی به منظور تفکیک متغیرهای مستقل استفاده شد که شامل نظریه‌های کنترل هیرشی، همنشینی افتراقی ساترلند، تقلید تارد، فشار عمومی آگنیو، فشار مرتون، بوم‌شناختی و شرایط آنومیک خانواده است.

روش‌شناسی: روش مورد استفاده در این پژوهش پیمایشی و از نوع علی مقایسه‌ای است و بنا به ماهیت روش علی و مقایسه‌ای از دو جامعه آماری استفاده شد. گروه سارق شامل ۱۰۰ نفر از جوانان ۱۸ تا ۳۵ سال ساکن در ندامتگاه مرکزی یزد و گروه دوم شامل ۱۰۰ نفر از جوانان عادی ۱۸ تا ۳۵ سال ساکن در شهر یزد بودند. شیوه نمونه‌گیری برای هر دو گروه، نمونه‌گیری خوشه‌ای و تصادفی ساده است. اطلاعات با استفاده از پرسشنامه، جمع‌آوری و در نرم‌افزار SPSS تجزیه و تحلیل شد.

یافته‌ها و نتایج: در مجموع نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که میان از هم‌گسیختگی خانوادگی، اعتیاد، وضعیت نابسامان اقتصادی، مهاجرت و حاشیه‌نشینی، سطح سواد، عمل به باورهای دینی و سلامت روان و ارتکاب سرقت جوانان در شهر یزد رابطه معناداری وجود دارد.

کلیدواژه‌ها: سرقت جوانان، شهر یزد، اعتیاد، خانواده، مهاجرت.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

□ **استناد:** رجیبی، ابراهیم و رضایی، حمیدرضا. (۱۳۹۸). تبیین جرم‌شناختی سرقت جوانان در شهر یزد. *فصلنامه رهیافت پیشگیری*، ۲(۴)،

صص ۷۷-۹۸.

۱. استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه علوم انتظامی امین. (نویسنده مسئول). رایانامه: Rajabi.1313@yahoo.com

۲. کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران. رایانامه: hamidrezaei1988@yahoo.com

مقدمه

امروزه با گسترش، پیشرفت و پیچیده‌تر شدن جوامع، روابط میان شهروندان نیز به شکل فزاینده‌ای پیچیده و گسترده شده است. در چنین شرایطی انسان‌ها به لحاظ سرشت و ذات خود همیشه برای تأمین نیازها، رفاه و پیشرفت مادی و اجتماعی خود به انحاء گوناگون تلاش می‌کنند. گروهی برای دستیابی به این خواسته‌ها در چارچوب و محدوده قوانین و با رعایت حقوق سایر شهروندان حرکت می‌کنند و گروهی برای رسیدن به خواسته‌های خود در هیچ چارچوبی حرکت نمی‌کنند و حتی از شکستن هنجارها و قوانین و زیر پا گذاشتن حقوق دیگران هیچ دریغ نمی‌کنند و این اقدامات را به عنوان راهکارهای رسیدن به خواسته خود برمی‌گزینند. از جمله جرائمی که این گروه مرتکب می‌شوند سرقت است، این پدیده از آن جرائمی است که بر ضد اموال صورت می‌گیرد و از زمان شکل‌گیری مالکیت خصوصی در جوامع بشری شایع شده است. سرقت از باسابقه‌ترین جرائم بشری است که در جوامع مختلف به شیوه‌های گوناگون دیده می‌شود. این پدیده در طول زمان دستخوش دگرگونی‌های زیادی شده، اما تنها چیزی که از بدو پیدایی و شکل‌گیری آن تاکنون ثابت مانده، زشتی و مذموم بودن ماهیت آن است (ستوده، ۱۳۸۶، ص ۱۵۷). عوامل بسیار متعددی دست به دست هم می‌دهند تا یک جوان مرتکب سرقت شود. این عوامل باید از زوایای مختلف اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و خانوادگی بررسی شود. در تبیین و توضیح چرایی ارتکاب این عمل توسط جوانان نمی‌توان ادعا کرد که این عمل فقط معلول یا تحت تأثیر یکی از این عوامل تحقق می‌یابد، بلکه مجموعه عوامل متعددی در بروز آن نقش داشته تا جوان را آماده ارتکاب جرم کند. دیگر کسی به یک عامل به عنوان علت جرم معتقد نیست و جرم‌شناسان به عوامل متعدد در این زمینه اشاره می‌کنند. این پژوهش در صدد پاسخ به این پرسش انجام شد که از نظر جرم‌شناسی چه علل و عواملی باعث ارتکاب سرقت از سوی جوانان می‌شود؟

بررسی جرم‌شناختی سرقت جوانان از جمله موضوعات به روز و مهمی است که حقوقدانان و به ویژه اندیشمندان جرم‌شناسی در صدد ریشه‌یابی علل و عوامل مؤثر بر وقوع آن و به تبع آن ارائه راهکارهایی برای پیشگیری از این معضل هستند، اصولاً پیشگیری باید با دانش و اطلاعات کافی نسبت به علل ایجادکننده هر دردی باشد و سپس مداوا در پی آن صورت گیرد، زیرا اگر تشخیص درست باشد، درمان نیز آسان و سریع خواهد بود. کاربرد چنین تحقیقاتی از جهات دیگری نیز دارای اهمیت است:

سرقت نه تنها باعث سلب مالکیت شخصی افراد از اموالشان می‌شود بلکه باعث اضطراب و نگرانی در فضای کار و تلاش و سرمایه‌گذاری می‌شود و از لحاظ سیاسی امنیت داخلی را متزلزل و موجب نارضایتی و اعتراض مردم می‌شود. از سوی دیگر سرقت موجب افزایش هزینه‌های اجتماعی می‌شود و مسئولان مجبور می‌شوند بخش‌های زیادی از منابع و سرمایه‌های جامعه را در راستای کنترل و پیشگیری از سرقت و دستگیری و مبارزه با تبهکاران و سارقان و اداره زندان‌ها به کار اندازند. از جنبه دیگر، زندانی شدن سارقان باعث خواهد شد که خانواده‌های آنها دچار مشکلات اقتصادی و اجتماعی شوند و همین مسئله زمینه بروز انواع مسائل اجتماعی را برای خانواده‌های آنها فراهم می‌کند. به عبارتی دیگر سرقت موضوعی است که همزمان برهم‌زننده امنیت مالی، جانی و روانی افراد است. از این رو لزوم شناسایی علل ارتکاب سرقت و کنترل و جلوگیری از تداوم آن احساس می‌شود.

پیشینه پژوهش: پژوهشی توسط پروین (۱۳۸۶) با موضوع «تبیین جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر سرقت نوجوانان» در دانشگاه تهران انجام شده است. بین متغیرهای مستقل پژوهش که شامل: میزان هم‌گسیختگی خانوادگی، میزان همنشینی با کجروان، میزان پیوند اجتماعی، وضعیت اجتماعی-اقتصادی خانوادگی و میزان احساس محرومیت نسبی با سرقت نوجوانان بین دو گروه تجربی و کنترل تفاوت‌های معناداری به لحاظ نظری و آماری مشاهده شد و هرکدام تأثیرات ویژه‌ای بر متغیر وابسته تحقیق یعنی سرقت نوجوانان دارند. محسنی تبریزی و پروین (۱۳۸۸) در پژوهشی با عنوان «عوامل مؤثر بر سرقت نوجوانان (مورد مطالعه شهر کرمانشاه)» که جمعیت آماری آن متشکل از دو گروه مستقل تجربی و کنترل است (گروه تجربی شامل: کلیه سارقان نوجوان نگهداری شده در زندان‌ها و مراکز اصلاح و تربیت کرمانشاه و گروه کنترل مشتمل بر تعدادی از دانش‌آموزان سنین ۱۸-۱۲ سال شاغل به تحصیل در سال ۱۳۸۵ در کرمانشاه). نتایج پژوهش نشانگر تفاوت معنادار میان دو گروه تجربی و کنترل به لحاظ تحصیل است. همچنین این معناداری با متغیرهایی نظیر میزان گسستگی خانواده، وضعیت اجتماعی-اقتصادی، میزان پیوند اجتماعی، میزان احساس محرومیت نسبی و میزان همنشینی با کجروان وجود داشته است. علوی (۱۳۸۹) پژوهشی با نام تأثیر عوامل اجتماعی بر گرایش افراد به اعتیاد، سرقت و روسپیکری انجام داد. نمونه تحقیق شامل ۲۸۳ نفر از افراد، عادی (۱۰۰ نفر) و افراد دارای سابقه اعتیاد، سرقت و روسپیکری (۱۸۳ نفر) بود که با روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شدند. نتایج پژوهش

نشان داد متغیرهای مدت زمان تفریح و گردش و با دوستان بودن و وضعیت دوستان از لحاظ اخلاقی و دینی با اعتیاد، سرقت و روسپیگری رابطه دارند. به طوری که افراد با سابقه اعتیاد، سرقت و روسپیگری نسبت به افراد عادی، مدت زمان بیشتری را به تفریح و گردش و با دوستان گذراندن اختصاص می دهند. وضعیت دوستان و خویشان آنان از لحاظ اخلاقی و دینی نامناسب تر است. همچنین علاوه بر متغیرهای یادشده، متغیر رفتن به شب نشینی های غیر مجاز نیز با سرقت رابطه دارد. به طوری که افراد داری سابقه سرقت نسبت به افراد عادی، بیشتر به شب نشینی های غیر مجاز می روند. دیندار و همکاران (۱۳۹۰) پژوهشی با عنوان «مهاجرین و سرقت های مسلحانه در کلانشهرها» انجام دادند. آنها ۴۶ نفر از سارقان مسلح در تهران را بررسی کردند؛ نتایج آزمون کای اسکور نشان داد؛ میزان شیوع سرقت مسلحانه در بین مهاجران بیش از غیر مهاجران است. پورغالی و مهدوی نصر (۱۳۹۰) پژوهشی با عنوان «بررسی رابطه بین تغییرات اجتماعی - فرهنگی و تغییرات میزان آسیب های اجتماعی» انجام دادند؛ یافته های پژوهش آنان نشان داد که در سال های اخیر بین میزان مهاجرت و میزان جرائم در استان لرستان همبستگی وجود دارد. بنابراین مهاجرت و جابجایی مکانی تأثیرات معناداری در میزان جرائم در لرستان داشته است. نیک طبع و پورخاتون (۱۳۹۰) پژوهشی با عنوان «آسیب های اجتماعی و مهاجرت در سکونتگاه غیر رسمی (محله حکیم کرمان)» انجام دادند. تعداد ۱۳۳۱ نفر از افراد از طریق نمونه گیری به صورت تصادفی ساده به عنوان نمونه انتخاب شدند. یافته های پژوهش نشان داد که اعتیاد به مواد مخدر، استفاده از سیگار، سابقه جرم و جنایت و مهاجرت به این سکونت گاه ها و همچنین فقر عوامل اساسی در بروز آسیب های اجتماعی در این سکونت گاه ها هستند. زمانی (۱۳۹۱) پژوهشی با عنوان «عوامل اجتماعی مؤثر بر سرقت نوجوانان و جوانان (مطالعه موردی شهر ایلام)» انجام داده است. نتایج نشان می دهد که میزان فشار توأم با بدرفتاری خانوادگی، از هم گسیختگی خانوادگی، هم نشینی با دوستان کجرو، میزان پیوند و همبستگی عاطفی با خانواده و دلبستگی به مدرسه و میزان مشارکت در فعالیت های زندگی و وضعیت اجتماعی و اقتصادی بین گروه سارق و غیر سارق دارای تفاوت های معناداری بوده اند. امروقلو، ملو و راینت^۱ (۲۰۰۱) در پژوهش خود بیان داشتند که اگر بخواهیم تأثیر بیکاری را بر بروز پدیده جرم بررسی کنیم، باید هرم سنی را در نظر داشته باشیم، زیرا آن گروه از بیکارانی دست به جرم و جنایت می زنند که در سنین جوانی و نوجوانی

قرار دارند. وینبرگ و موستارد^۱ (۲۰۰۲) بیان می‌کنند که باید نرخ دستمزد را در کنار بیکاری بررسی کرد و با مطالعه‌ای تجربی نشان دادند که کاهش مداوم نرخ دستمزد و افزایش هم‌زمان نرخ بیکاری می‌تواند باعث افزایش نرخ جرم شود. کاپل^۲ و همکاران (۲۰۰۵) در پژوهشی با عنوان «جنسیت، قیود اجتماعی و بزهکاری» مقایسه‌ای بین دختران و پسران انجام دادند. آنها دریافتند که هم برای پسران و هم برای دختران، بین تعهد نسبت به آموزش و مدرسه و اعتقاد (باور) با بزهکاری شدید یا خشن رابطه معنادار و منفی وجود دارد. وابستگی به گروه همسالان فقط برای پسران با بزهکاری شدید به طور معناداری رابطه منفی دارد. بانانو^۳ و همکاران (۲۰۰۸) پژوهشی با عنوان «شناسایی اقتصادی-اجتماعی و آمارگیری مشخص جرائم در استان‌های اسپانیا» انجام دادند. نتایج این پژوهش نشان داد که سطح بیکاری، تحصیلات و نرخ شهرنشینی بر جرائم دارد. احتمال بازگشت مجدد به جرائم در شهرهای بزرگ بیشتر از شهرهای کوچک و روستاها است. همچنین مهاجران غیر قانونی بیشتر محتمل درگیری در فعالیت‌های جنایی هستند.

مبانی نظری

با توجه به این که سرقت یک پدیده پیچیده اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است نمی‌توان با یک نظریه این پدیده را تبیین کرد؛ بنابراین از یک چارچوب نظری ترکیبی به تفکیک متغیرهای مستقل پژوهش برای تبیین رابطه این متغیرها با سرقت استفاده شده است که در زیر به آنها اشاره می‌شود:

نظریه کنترل تراویس هیرشی^۴ بر این اساس استدلال می‌کرد که چهار عامل به افراد جامعه کمک می‌کند تا کمتر از هنجارهای آن جامعه تخطی کنند که این چهار عامل شامل وابستگی^۵، تعهد^۶، درگیری^۷ و ایمان^۸ (و باور دینی) است (ممتاز، ۱۳۸۱). پژوهش‌های مختلف حاکی از این است که هرچه وابستگی و پیوند افراد و تعهد و قیودی که آنها نسبت به چیزی دارند بیشتر باشد و هرچه افراد بیشتر درگیر باشند

1. Weinberg & Mustard

2. Chapell

3. Buonanno

4. Traviss Hirschi

5. Attachment

6. Attachment

7. Involvement

8. Belief

و اوقات فراغت کمتری داشته باشند و در نهایت ایمان بیشتری داشته باشند؛ خود را محدودتر می‌کنند و کمتر خود را آزاد و رها می‌بینند تا هنجارهای جامعه را نقض کنند (جلایی پور و حسینی‌نثار، ۱۳۸۳؛ محسنی تبریزی و پروین، ۱۳۸۸؛ زمانی، ۱۳۹۱ و کاپل و همکاران، ۲۰۰۵). باورهای مذهبی می‌تواند هر چهار عاملی که هیروشی ذکر می‌کند را در فرد ایجاد کند، به این صورت که افرادی که خود را مذهبی می‌پندارند نسبت به دیگر افراد مذهبی و به خصوص خانواده‌شان احساس وابستگی و تعلق پیدا می‌کنند. از سوی دیگر مذهب در افراد احساس تعهد ایجاد می‌کند و افرادی که پیرو مذهبی هستند سعی دارند خط قرمزهایی که دین تعیین کرده است را رعایت کنند. همچنین عامل مذهب است که باعث می‌شود افراد برای خود دغدغه‌های فکری و درگیری‌های ایدئولوژیکی داشته باشند و در نهایت هر دین و مذهبی برای پیروان خود باورها و اعتقاداتی به همراه دارد که مجموعه این باورها و اعتقادات و عمل به آنها ایمان فرد را شکل می‌دهند.

ساترلند^۱ از جمله نظریه پردازانی است که جرم و بزه را از زاویه یادگیری مورد بررسی قرار می‌دهد. نظریه (یادگیری افتراقی^۲) وی شامل اصولی چون: عمل مجرمان آموختنی است، نه موروثی؛ آموزش از طریق ارتباط فرد با سایر افراد صورت می‌گیرد و عموماً به صورت شفاهی و به کمک کلمات است؛ بخش اعظم آموزش رفتار بزهکارانه در گروه‌های نزدیک که با فرد روابط صمیمانه دارند انجام می‌گیرد است (ممتاز، ۱۳۸۱). نظریه ساترلند یکی از قوی‌ترین نظریه‌ها در زمینه تبیین انحرافات است که تا به امروز همچنان از قدرت تبیین بالایی برخوردار است. ساترلند در قالب نظریه‌اش معتقد بود که انحرافات بیشتر در قالب گروه‌های نخستین نظیر گروه دوستان یا خانواده آموخته می‌شود. این گروه‌ها بسیار متنفذتر از مأمورین و مسئولین رسمی مانند معلمان، کشیشان، افراد پلیس یا ابزارهای ارتباط جمعی نظیر فیلم و روزنامه می‌باشند. از نظر ساترلند فرایند یادگیری رفتار بزهکارانه شامل تکنیک‌های تبهکاری، انگیزه‌ها، گرایش‌ها و دلیل تراشی‌های لازم برای آن می‌شود. بدین ترتیب یک جوان می‌آموزد که چگونه با موفقیت دست به سرقت بزند و هم چگونه استدلال بیاورد تا سرقت خود را توجیه کند و برای آن بهانه تراشی کند (رفیع پور، ۱۳۷۸).

گابریل تارد^۳ نیز از دیگر نظریه پردازانی است که در تبیین انحراف به یادگیری توجه می‌کند. وی در

1. Sutherland

2. Differential Learning Theory

3. Tarde Gabriel

نظریه «تقلید^۱» خود معتقد است که افراد، مجرم به دنیا نمی‌آیند؛ بلکه مجرم می‌شوند؛ همچنین وی بر این باور بود که فرایند کسب رفتار بزهکارانه و مجرمانه، از طریق تقلید که مبتنی بر تجربه‌های یادگیری مشاهده‌ای است انجام می‌شود. تارد در توسعه نظریه‌اش، به «مد» و «رسم» اشاره کرده و بین آنها تمایز قائل شد. وی اعلام کرد اگرچه مد و رسم هر دو از اشکال تقلید هستند، اما مد دارای ویژگی تقلیدی است که در شهرها و جاهایی که تماس‌ها نزدیک و فراوان هستند، رخ می‌دهد. رسم هم به پدیده‌ای که در شهرک‌های کوچک و حوزه‌های روستایی (جایی که تغییرات اجتماعی کمی رخ می‌دهد) پدید می‌آید ارجاع داده می‌شود؛ اما مد ممکن است این رسم را ریشه کن کرده و رسم جدیدی را خلق کند، پس بر این اساس یکی از قوانین تارد، تقلید افراد از یکدیگر خواهد بود. دومین قانون وی تقلید فرودست‌ها از فرادست‌ها است و سومین قانونش، «قانون جوف‌گذاری» است. به این معنا که وقتی دو مد با ویژگی‌های منحصر به فرد در تقابل با یکدیگر با هم ظاهر می‌شوند، یکی می‌تواند جانشینی برای دیگری شود. در چنین وضعیتی، روش‌ها و ابزارهای قدیمی‌تر ارتکاب جرم رو به کاهش و روش‌ها و ابزارهای جدیدتر افزایش می‌یابند برای مثال اگر در گذشته از دیوار مردم بالا رفتن و کیف‌قاپی سرقت محسوب می‌شد، امروزه سرقت‌های سایبری حرف اول را می‌زند و سرقت با زد و خورد کمتر و با ظرافت بیشتر انجام می‌گیرد که این جایگزینی از طریق یادگیری رخ می‌دهد (نوربها، ۱۳۸۶). هر دو نظریه یادگیری افتراقی و یادگیری تقلیدی تارد، یادگیری را عامل اصلی انحراف فرد معرفی می‌کند. یادگیری از طریق ارتباط و همنشینی با سایر افراد منحرف به طور عام و سارقان به طور خاص اتفاق می‌افتد.

نظریه فشار عمومی آگنیو^۲ در سطح خرد به بررسی اثرات فشار بر فرد می‌پردازد. باید به این مسئله توجه داشت که آگنیو به جای تأکید بر عوامل کلان که به نابرابری ساختاری مربوط اند به عوامل سطح خردی توجه دارد که می‌توان آنها را عوامل روانشناختی-اجتماعی نامید (مون^۳ و همکاران، ۲۰۰۸). از نظر آگنیو رفتارهای مجرمانه نتیجه مستقیم حالات عاطفی منفی خشم، ناکامی و هیجانات زیان‌آور هستند. این حالات عاطفی منفی از چهار منبع فشار ناشی می‌شوند که عبارت‌اند از: ۱- فشار ناشی از شکست در پیشبرد اهداف؛ ۲- فشار ناشی از شکاف بین انتظارات و آنچه که حاصل شده است؛ ۳- فشار ناشی از،

1. Imitation

2. Aagnew's general strain theory

3. Moon

از دست رفتن محرک‌هایی که برای فرد جنبه مثبت دارند و ۴- فشار ناشی از وجود محرک‌هایی که برای فرد جنبه منفی دارند. این نظریه بر بدرفتاری دیگران با فرد تأکید دارد. برای مثال دیگران ممکن است مانع رسیدن فرد به اهدافش شوند یا او را با محرک‌های منفی یا نامطلوب مواجه کنند (آگنیو، ۱۹۹۲). آگنیو معتقد است که زمانی رویدادهای فشارآور به جرم منجر می‌شوند که ۱. این رویدادها غیر عادلانه به نظر برسند؛ ۲. از نظر بزرگی و شدت در سطح بالایی باشند؛ ۳. با کنترل اجتماعی پایین همراه شوند یا این که معلول این کنترل پایین باشند و ۴. فشار یا مشوقی را برای سازگاری منحرفانه با موقعیت نامطلوب ایجاد کنند (اسلوکام^۱ و همکاران، ۲۰۰۵). در بین هیجانات منفی مورد تأکید آگنیو، هیجان خشم از اهمیت بالایی برخوردار است؛ زیرا سطوح صدمه و آسیب را بالا می‌برد و برای انجام یک عمل انتقام‌جویانه در قالب بزهکاری به فرد فشار می‌آورد. باید توجه داشت که انواع دیگری از هیجانات منفی وجود دارند که اثری متفاوت از اثر خشم بر بزهکاری دارند. آگنیو بیان می‌کند که افرادی که با افسردگی، اضطراب، ناامیدی و یأس به موقعیت فشارزا پاسخ می‌دهند، ممکن است به خود تخریبی روی بیاورند، مانند سوء‌مصرف مواد و اعتیاد؛ زیرا این افراد انگیزه‌ای قوی برای انتقام ندارند. این شکل بزهکاری شیوه‌ای متفاوت برای سازگاری با فشار است که عنصر کلیدی آن گریز یا دستکاری هیجانات منفی است (دراپلا^۲، ۲۰۰۰).

رابرت کی. مرتون^۳ یکی دیگر از نظریه‌پردازان در حوزه جرم و انحراف است. وی در نظریه فشار ساختاری^۴ بر این عقیده است که انحراف از ساختار و فرهنگ جامعه سرچشمه می‌گیرد. وی استدلال خود را با معیار توافق جمعی درباره ارزش‌ها آغاز می‌کند و معتقد است که تمام اعضای جامعه در ارزش‌های مشترک سهیم‌اند. اما از آنجایی که اعضای جامعه از لحاظ ساختارهای اجتماعی در موقعیت‌های مختلفی قرار می‌گیرند، برای درک ارزش‌های مشترک از فرصت‌های مساوی برخوردار نیستند. چنین وضعی ممکن است موجب انحراف شود. به بیان مرتون ساختار اجتماعی و فرهنگی جامعه برای رفتار منحرف اجتماعی مردمی که در جایگاه‌های مختلفی قرار گرفته‌اند، ایجاد فشار می‌کند. به خاطر شکاف‌های ساختی از نظر اجتماعی بین آرزوها (اهداف مشترک) و دستیابی واقعی (دسترسی به ابزار اجتماعی برای رسیدن به این اهداف) آنومی (بی‌هنجاری) در نظام

1. Slocum

2. Drapela

3. Robert K. Merton

4. Structural strain theory

اجتماعی ایجاد شده است (همیلتون^۱، ۱۹۸۷). مرتون پنج شیوه عمل یا انطباق را مطرح می‌کند، اولین شیوه هم‌نوا و چهار شیوه دیگر که از نپذیرفتن وسایل یا هدف‌های قانونی یا هر دو آنها حاصل می‌شود، انحراف به شمار می‌رود. چهارمین شیوه‌ای که مرتون معرفی می‌کند انزوطلبی است که فرد هم اهداف فرهنگی و هم ابزار تأیید شده یا قانونی از لحاظ فرهنگی را رد می‌کند، بدون این که شیوه‌های جدیدی جایگزین کند. برای مثال، آدم‌های الکلی، معتاد به مواد مخدر و کسانی که از جامعه به بیرون طرد شدند، آنها در جامعه هستند ولی جزئی از جامعه نیستند (کاوه، ۱۳۹۱). تفاوت مرتون و آگنیو در آن است که مرتون تلاش دارد تفاوت‌های طبقاتی را در میزان جرم تبیین کند، در حالی که آگنیو سعی می‌کند تا نشان دهد که چرا افرادی که احساس تنش و فشار می‌کنند به احتمال بیشتری رفتارهای مجرمانه دارند. فشارهایی که آگنیو و مرتون می‌گویند، بیشتر دامن‌گیر افرادی است که از طبقات پایین جامعه‌اند، حال اگر این افراد دچار اعتیاد شوند، احتمال زیادی وجود دارد که این افراد برای رفع نیازهای مادی خود به سرقت دست بزنند.

نظریه بوم‌شناسی^۲ یکی دیگر از نظریاتی است که به تبیین انحرافات می‌پردازد. پارک و برگس^۳ به عنوان دو تن از نظریه پردازان معروف این مکتب، در تبیین انحرافات اجتماعی بر متغیرهایی که با پدیده شهرنشینی ارتباط داشت تمرکز کردند. برخی از این متغیرها عبارت بودند از: مهاجرت، زبان، قومیت، حوزه‌های سکونتگاهی و تراکم جمعیت. به اعتقاد ایشان، محیط فیزیکی شهر با الگوهای فرهنگی اجتماعی، جمعیت شهری و زندگی شهرنشینی درهم تنیده است. پارک بر این باور بود که نواحی شهری از انگیزه‌ها و غرایز ساکنان ممانعت می‌کند و باعث انحرافات اجتماعی می‌شود. برگس معتقد بود که در منطقه انتقالی، به دلایلی چون: نرخ بالای مهاجرت، ویرانی خانه‌ها و تراکم جمعیت و مانند آن، بالاترین نرخ جرم و بزهکاری مشاهده می‌شود. بی‌ثباتی جمعیتی و بوم‌شناختی در منطقه انتقالی موجب تخریب توانایی کارکردی نهادهای اجتماعی از قبیل خانواده و کنترل رفتار ساکنان می‌شود (احمدی، ۱۳۸۴). افراد مهاجر اصولاً از خانواده‌های خود جدا هستند، به تنهایی و در سنین جوانی برای یافتن شغل و درآمد بهتر از روستاها به شهرها و یا از شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ مهاجرت می‌کنند. این افراد قبل از مهاجرت، مقصد مهاجرت خود را یک آرمان شهر تصور می‌کنند. آنها در بسیاری از موارد با شرایطی روبه‌رو

1. Hamilton

2. Ecology Deviance Theory

3. Park & Bergs

می‌شوند که بین شهر رویایی‌شان با جایی که به امید وضعیت بهتر به آن مهاجرت کرده‌اند، شکاف عظیمی می‌یابند. این افراد ممکن است دچار دوگانگی‌ها، تبعیض، دلتنگی‌های دور از خانواده، سوء استفاده‌ها و مانند آن شوند و با مشکلات عاطفی، روانی و اقتصادی زیادی روبه‌رو شوند. در برخی موارد هم، اتفاقاتی برای فرد مهاجر می‌افتد که نه روی برگشت به دیار خود را دارد و نه توان ماندن در شهری که به آن مهاجرت کرده است. بدیهی است که این افراد منبع درآمد ثابت و کافی نیز ندارند. بنابراین این افراد برای رفع نیازهای مادی خود به قاچاق مواد مخدر، سرقت، زورگیری و مانند آن، روی می‌آورند.

نظریه کنترل هیرشی بر این اساس استدلال می‌کند که چهار عامل به افراد جامعه کمک می‌کند تا کمتر از هنجارهای آن جامعه تخطی کنند که یکی از آن چهار عامل درگیری بود (ممتاز، ۱۳۸۱). درگیری به میزان مشغولیت فرد در فعالیت‌های مختلف است که باعث می‌شود فرصتی برای انجام کار خلاف نداشته باشد (رسته مقدم، ۱۳۸۵). بیشتر افراد در طول زندگی خود زمان و انرژی محدودی دارند. درگیری در امور زندگی روزمره به وقت زیادی نیاز دارد و خود باعث محدود شدن رفتار می‌شود. افراد بیکار و بیهوده وقت بیشتری برای هنجارشکنی دارند، در حالی که کسی که کار می‌کند، خانواده‌ای تشکیل داده و سعی می‌کند در حرفه خود موفق باشد، وقت و انرژی اضافی برای ارتکاب جرائم را ندارد.

مرتون، پنج روش کنش انطباق افراد در برابر رویارویی با اهداف و وسایل موجود در جامعه را مطرح می‌کند، چهارمین روشی که وی معرفی می‌کند بدعت‌گرایی است. هنگامی که فردی اهداف موجود در جامعه را قبول داشته باشد برای مثال (رسیدن به حدی از درآمد که فرد بتواند نیازهای زندگی را تأمین کند) ولی وسایل و راه‌های رسیدن به آن را قبول نداشته باشد (برای مثال با توجه به وضع نابسامان اقتصادی فرد شغل دلخواه خود را پیدا نکند و نتواند از راه‌هایی که جامعه برای کسب درآمد تعیین کرده کسب روزی کند) بدعت‌گذاری می‌کند که گاهی اوقات پسند سایر اعضای جامعه نیست و منجر به نقض هنجارها و قوانین جامعه می‌شود؛ برای مثال فردی که داشتن درآمد را مطلوب می‌انگارد ولی شغل مناسب ندارد، ممکن است برای کسب درآمد دست به سرقت بزند.

در حیطه بُعد درگیری نظریه کنترل اجتماعی و رابطه تحصیلات با جرم، می‌توان گفت؛ بیشتر جرم‌شناسان معتقدند که افزایش سال‌های تحصیلی باعث کاهش کج‌رفتاری در میان نوجوانان و جوانان می‌شود (ممتاز، ۱۳۸۱ و ستوده، ۱۳۸۶). همچنین تعهد افراد به تحصیلاتی که برای رسیدن به آن زحمت

کشیده‌اند نیز در نظریه کنترل اجتماعی عاملی است که فرد به سمت کج رفتاری نرود. به این صورت که افراد جامعه در دستیابی به هدف‌هایی مانند: تحصیل، کار، خانه و مانند آن که برای آنها سرمایه گذاری کرده‌اند و وقت و انرژی خود را در راه آن صرف کرده‌اند، بیشتر به فعالیت‌های متداول زندگی تعهد دارند. از این رو به دلیل تحصیلات، موقعیت و پایگاه اجتماعی که با تلاش خود به دست آورده‌اند کج رفتاری نمی‌کنند. بدین سان فردی که به فعالیت‌های زندگی خود متعهد باشد، به منظور حفظ موقعیتی که با کوشش برای خود به دست آورده، کج رفتاری نمی‌کند و خود را به خطر نمی‌اندازد (ممتاز، ۱۳۸۱).

یک مجموعه حیاتی، هنگامی سالم و منسجم است که بر اساس الگویی مشخص و منظم عمل کند. از این رو هرگاه جامعه نظم خود را از دست دهد، آرامش آن نیز از بین رفته است و در نهایت انسجام آن از هم پاشیده می‌شود و ناگزیر آن جامعه دیگر جامعه‌ای پایدار و سالم نیست، بلکه جامعه‌ای بحران زده است که دچار «از هم گسیختگی اجتماعی» و «از هم پاشیدگی اجتماعی» شده است. ویلیام گود^۱ در نظریه «شرایط آنومیک خانواده»^۲ می‌گوید: افرادی که در یک خانه شاد و خوشبخت پرورش یافته‌اند بسیار احتمال دارد که خود نیز تبدیل به افرادی شاد و از نظر روانی سالم شوند اما بررسی‌های روانی نشان می‌دهند که کودکان خانواده‌های «توخالی» کمتر احتمال دارد که از شادی و سلامت روانی برخوردار باشند زیرا اعضای خانواده در وظایف عاطفی خود نسبت به همدیگر کوتاهی کرده‌اند و متخصصان رشد معتقدند که گرمی (صمیمیت)، دلبستگی، عشق و محبت برای اجتماعی شدن مناسب و کافی لازم است. گود عوامل موثر در اجتماعی کردن فرزند را بیان می‌کند که از جمله این عوامل، گرمی، پرورش و محبت والدین یا اشخاص دیگری (مانند معلم و گروه همسالان)، که برای اجتماعی کردن فرزند در تلاش هستند، است (گود، ۱۹۸۹).

سلامت روان یکی دیگر از متغیرهایی است که در مجرم شدن یا نشدن فرد اثر فراوانی دارد. آلفرد آدلر، معتقد است فرد دارای سلامت روان، روابط خانوادگی صمیمی و مطلوبی دارد و جایگاه خودش را در خانواده و گروه‌های اجتماعی به درستی می‌شناسد. همچنین فرد سالم در زندگی هدفمند و غایت‌مدار است و اعمال او مبتنی بر تعقیب این اهداف است (عباس‌زاده و همکاران، ۱۳۸۹). اگر فرد از خانواده سالمی برخوردار باشد و خانواده‌اش از هم گسیخته نباشد، جایگاه خودش را در خانواده و گروه دوستانش

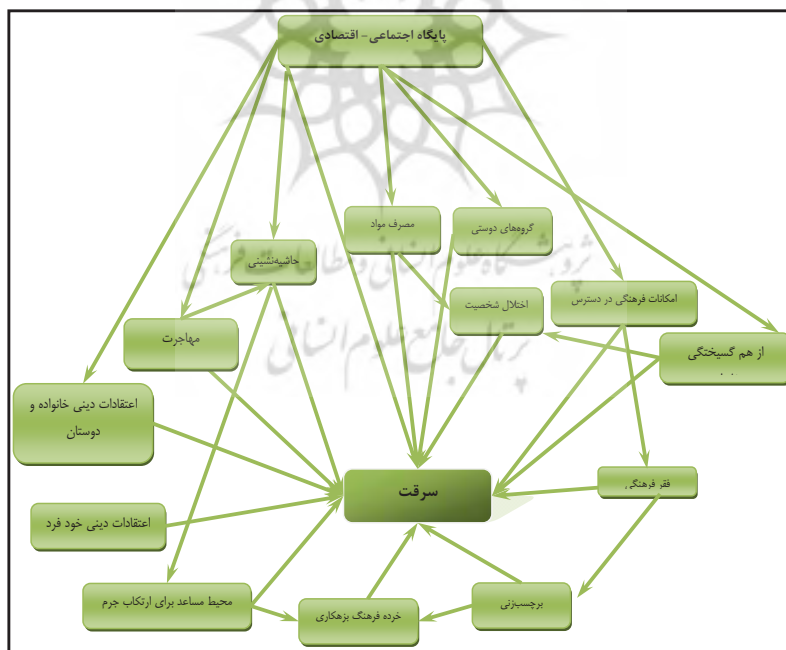
1. William Goode

2. Family abnormal conditions theory

بشناسد و با افرادی که منحرف هستند آمد و شدی نداشته باشد و در زندگی هدفی را دنبال کند و به آن هدف متعهد باشد؛ در نتیجه فرد از سلامت روان برخوردار است. این‌ها ویژگی‌های افرادی است که کمتر به دنبال اعمال انحرافی می‌روند. در نهایت چارچوب نظری پژوهش حاضر در قالب جدول ۱ تدوین شده است.

جدول ۱. متغیرهای پژوهش و نظریات مرتبط

متغیر	نظریه
عمل به باورهای دینی	نظریه کنترل هیرشی
همنشینی با افراد کجرو	نظریه همنشینی افتراقی ساترلند، تقلید تارد
اعتیاد	نظریه فشار عمومی آگنیو، فشار مرتون
مهاجرت	نظریه بوم‌شناختی
وضعیت نابسامانی اقتصادی و بیکاری	نظریه کنترل هیرشی و فشار مرتون
سطح تحصیلات	نظریه کنترل هیرشی
از هم‌گسیختگی خانواده	شرایط آنومیک خانواده ویلیام گود
سلامت عمومی	آلفرد آدلر



شکل ۱. مدل نظری پژوهش برگرفته از چارچوب نظری

- با توجه به چارچوب و مدل نظری پژوهش، فرضیه‌های پژوهش به شرح زیر تدوین شدند:
- بین از هم گسیختگی خانوادگی جوانان و ارتکاب سرقت از سوی آنها رابطه معناداری وجود دارد؛
 - بین اعتیاد جوانان و ارتکاب سرقت از سوی آنها رابطه معناداری وجود دارد؛
 - بین وضعیت نابسامان اقتصادی جوانان و ارتکاب سرقت از سوی آنها رابطه معناداری وجود دارد؛
 - بین مهاجرت و حاشیه‌نشینی جوانان و ارتکاب سرقت از سوی آنها رابطه معناداری وجود دارد؛
 - بین سطح سواد جوانان و ارتکاب سرقت از سوی جوانان رابطه معناداری وجود دارد؛
 - بین سطح سواد والدین جوانان و ارتکاب سرقت از سوی جوانان رابطه معناداری وجود دارد؛
 - بین وضعیت همنشینی (گروه‌های دوستی) جوانان و ارتکاب سرقت از سوی آنها رابطه معناداری وجود دارد؛
 - بین عمل به باورهای دینی جوانان و ارتکاب سرقت از سوی آنها رابطه معناداری وجود دارد؛
 - بین سلامت روانی جوانان و ارتکاب سرقت از سوی آنها رابطه معناداری وجود دارد؛

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر روش تحقیق، توصیفی از نوع علی و مقایسه‌ای است. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه جوانان سارق زندان شهر یزد است که با حکم قطعی قضایی در زندان هستند. همچنین افرادی که در فاصله سنی مشابه قرار دارند و تاکنون مرتکب سرقت نشده‌اند به عنوان گروه مقایسه انتخاب و در سطح شهر به صورت تصادفی انتخاب شدند. در مورد جوانان سارق به دلیل محدود و متمرکز بودن جمعیت آماری یادشده، از روش تمام شماری استفاده شد و حجم آن نیز برابر با حجم کل جمعیت آماری جوانان سارق یعنی ۱۱۰ نفر است. به دلیل ماهیت مقایسه‌ای بودن پژوهش، برای مهیا کردن شرایط مقایسه بهتر و عملی‌تر، همگن‌سازی دو نمونه انجام شد؛ بنابراین نمونه جوانان غیر سارق به لحاظ چند ویژگی با نمونه جوانان سارق همانند و همگن شده‌اند؛ یکی جنس و دیگری سن. به این معنا که همه افراد گروه مقایسه (افراد عادی) همانند گروه سارق پسر بوده و از آنجا که طیف سنی گروه سارق بین ۱۸ تا ۳۵ سال است، نمونه جوانان عادی نیز از همین طیف سنی انتخاب شد و حجم نمونه آن نیز جهت مقایسه علمی‌تر برابر با حجم گروه نمونه جوانان سارق، ۱۱۰ نفر تعیین شد. این تعداد

با توجه به شرایط یادشده به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند. بعد از جمع‌آوری پرسشنامه‌ها از هر دو گروه و بازبینی آنها تعداد ۱۰۰ نمونه پرسشنامه تکمیل شده استخراج شد و مابقی به علت مخدوش بودن و یا همکاری نکردن افراد گروه نمونه استفاده نشد. ابزار گردآوری اطلاعات در این پژوهش، پرسشنامه‌های، سرقت (محقق ساخته، ۱۳۹۲)، عمل به باورهای دینی (گلزاری، ۱۳۹۰) و سلامت عمومی (گلدبرگ^۱، ۱۹۹۲) است.

پس از تدوین پرسشنامه، برای تأیید روایی صوری، پرسشنامه در اختیار اساتید محترم راهنما و مشاور قرار گرفت و دو پرسشنامه استاندارد دیگر طبق پیشینه‌های موجود دارای روایی بالایی بود و در تحقیق حاضر نیز با استفاده از تحلیل آماری درستی روایی هر دو پرسشنامه تأیید شد. در این پژوهش برای بررسی پایایی ابزار پژوهش، از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد، بدین صورت که قبل از اجرای آزمون روی نمونه‌ها، ۳۰ نفر از جوانان سارق زندان و جوانان غیر سارق سطح شهر یزد به صورت تصادفی از جامعه آماری انتخاب شدند و پرسشنامه‌ها توسط آنها تکمیل شد. آلفای کرونباخ در پرسشنامه‌های سرقت، عمل به باورهای دینی و سلامت عمومی به ترتیب $0/82$ ، $0/92$ و $0/94$ به دست آمد که این نشان می‌دهد پرسشنامه‌ها از پایایی بالایی برخوردار است. خدایاری فرد (۱۳۹۰) در مطالعه خود میزان پایایی پرسشنامه عمل به باورهای دینی را ۹۳٪ و تقوی (۱۳۹۱) در مطالعه خود میزان پایایی پرسشنامه سلامت عمومی را $0/92$ اعلام کرده‌اند. در نهایت برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش‌های آمار توصیفی و استنباطی و از نرم‌افزار آماری SPSS ۱۹ در قسمت آمارهای توصیفی از شاخص‌های مرکزی و پراکنندگی (میانگین، واریانس و انحراف استاندارد) استفاده شد. همچنین در قسمت آمارهای استنباطی برای آزمون فرضیه‌های تحقیق و بررسی رابطه بین متغیرهای مستقل و وابسته، از آزمون تی مستقل و یو من ویتنی استفاده شد.

یافته‌ها

یافته‌های توصیفی جمعیت‌شناختی: با توجه به یافته‌های پژوهش، بیشترین پاسخگویان در گروه سارقان (۳۷ درصد) و غیر سارقان (۵۶ درصد) در گروه سنی ۲۴ تا ۲۹ سال قرار دارند. بیشتر پاسخگویان گروه سارق دارای تحصیلات راهنمایی (۴۳ درصد) بودند و بیشتر پاسخگویان در گروه غیر سارق دارای

1. Goldberg

تحصیلات لیسانس و بالاتر (۵۴ درصد) بودند. بیشترین پاسخگویان گروه سارق (۴۵ درصد) مجرد و گروه غیر سارق (۷۰ درصد) مجرد بوده‌اند. بیشترین پدران گروه سارق (۴۴ درصد) بیسواد و بیشتر پدران گروه غیر سارق (۳۲ درصد) دارای تحصیلات لیسانس و بالاتر بوده‌اند. بیشتر مادران گروه سارق (۵۴ درصد) بیسواد و بیشتر مادران گروه غیر سارق (۴۱ درصد) دارای تحصیلات ابتدایی بودند. بیشتر جوانان گروه سارق (۴۰ درصد) دارای درآمد کمتر از ۴۰۰ هزار تومان و بیشتر جوانان گروه غیر سارق (۳۳ درصد) دارای درآمد بین ۶۰۰ هزار تا ۱ میلیون تومان بودند.

یافته‌های استنباطی: در این بخش در زمینه آزمون فرضیه‌ها و ارتباط متغیرها با یکدیگر با توجه به سطح متغیرها از آزمون‌های مختلف استفاده شد. در ادامه به بررسی تک تک متغیرهای مستقل با متغیر وابسته ارتکاب سرقت نوجوانان با استفاده از آزمون‌های مناسب پرداخته شد.

فرضیه ۱: بین جوانان سارق و غیر سارق تفاوت معناداری از لحاظ از هم گسیختگی خانواده وجود دارد. برای بررسی این فرضیه به دلیل اینکه همگونی واریانس‌ها برقرار نبود از آزمون یو من ویتنی استفاده شد. همان‌طور که در جدول ۲ نتایج نشان می‌دهد که مقدار عددی $Sig = 0/000$ کوچکتر از خطای مفروض پژوهش (۰/۰۵) است و در نتیجه فرض وجود تفاوت معنادار بین دو گروه سارق و غیر سارق در متغیر از هم گسیختگی خانواده تأیید می‌شود. همچنین میانگین نشان می‌دهد در گروه سارقان میانگین بیشتری مشاهده شده است یعنی در جوانان سارق از هم گسیختگی خانواده بیشتر از جوانان غیر سارق است.

جدول ۲. آزمون یو من ویتنی بین جوانان سارق و غیر سارق از لحاظ از هم گسیختگی خانواده

طبقات	تعداد	رتبه میانگین	مقدار آزمون یو من ویتنی	سطح معنی‌داری
سارقان	۱۰۰	۱۰۵/۵۴	۴۳۹۶/۰۰	Sig=۰/۰۰۰
غیر سارقان	۱۰۰	۹۴/۴۰		

فرضیه ۲: بین جوانان سارق و غیر سارق تفاوت معناداری از لحاظ اعتیاد جوانان وجود دارد. برای بررسی این فرضیه از آزمون تی مستقل استفاده شد. نتایج آزمون لوین ($sig = 0/28$; $F = 1/175$) نشان می‌دهد که همگنی واریانس‌ها برقرار است بنابراین از آزمون تی مستقل استفاده می‌شود، نتایج آزمون آماری t استودنت نشان می‌دهد که مقدار عددی $Sig = 0/000$ بزرگتر از خطای مفروض پژوهش (۰/۰۵) است و در نتیجه فرض وجود تفاوت معنادار بین دو گروه سارقان و غیر سارقان از لحاظ اعتیاد

جوانان تأیید می‌شود. این بدان معناست که اعتیاد جوانان با ارتکاب سرقت رابطه دارد و میانگین گروه سارقان بیشتر از غیر سارقان است؛ یعنی اعتیاد در گروه سارقان بیشتر از گروه غیر سارق بوده است.

جدول ۳. آزمون تی مستقل بین جوانان سارق و غیر سارق از لحاظ اعتیاد جوانان

گروه	تعداد	میانگین	انحراف معیار	مقدار آزمون	سطح معنی داری
سارقان	۱۰۰	۵/۶۱	۰/۶۳	۱۵/۰۴	Sig=۰/۰۰۰
غیر سارقان	۱۰۰	۳/۹۹	۰/۸۷		

فرضیه ۳: بین جوانان سارق و غیر سارق تفاوت معناداری از لحاظ نابسامانی اقتصادی وجود دارد. برای بررسی این فرضیه از آزمون تی مستقل استفاده شد. نتایج آزمون لوین ($F=۰/۹۸$; $sig=۰/۳۲$) نشان می‌دهد که همگنی واریانس‌ها برابر است بنابراین از آزمون تی مستقل استفاده می‌شود، نتایج آزمون آماری t استودنت نشان می‌دهد که مقدار عددی $Sig=۰/۰۰۰$ کوچکتر از خطای مفروض پژوهش ($۰/۰۵$) است و در نتیجه فرض وجود تفاوت معنادار بین دو گروه سارقان و غیر سارقان از لحاظ نابسامانی اقتصادی تأیید می‌شود. این بدان معناست که نابسامانی اقتصادی با ارتکاب سرقت رابطه دارد و نشان می‌دهد میانگین گروه سارقان بیشتر از غیر سارقان است؛ یعنی نابسامانی اقتصادی در گروه سارقان بیشتر از گروه غیر سارق بوده است.

جدول ۴. آزمون تی مستقل بین جوانان سارق و غیر سارق از لحاظ نابسامانی اقتصادی

گروه	تعداد	میانگین	انحراف معیار	مقدار آزمون	سطح معنی داری
سارقان	۱۰۰	۲/۶۰	۰/۸۱	۵/۵۳	Sig=۰/۰۰۰
غیر سارقان	۱۰۰	۱/۸۱	۰/۹۰		

فرضیه ۴: بین جوانان سارق و غیر سارق تفاوت معناداری از لحاظ سطح سواد جوانان وجود دارد. برای بررسی این فرضیه به دلیل اینکه همگنی واریانس‌ها برابر نبود از آزمون یو من ویتنی استفاده شد. نتایج آزمون نشان می‌دهد که مقدار عددی $Sig=۰/۰۰۰$ ، کوچکتر از خطای مفروض پژوهش ($۰/۰۵$) است و در نتیجه فرض وجود تفاوت معنادار بین دو گروه سارق و غیر سارق از لحاظ سطح سواد تأیید

می‌شود. همچنین نتایج نشان می‌دهد در گروه غیر سارق میانگین بیشتری مشاهده شده است یعنی در جوانان غیر سارق سطح سواد بیشتر از جوانان سارق است.

جدول ۵. آزمون یو من ویتنی بین جوانان سارق و غیر سارق از لحاظ سطح سواد

طبقات	تعداد	رتبه میانگین	مقدار آزمون یو من ویتنی	سطح معنی‌داری
سارقان	۱۰۰	۷۲/۲۵	۲۱۷۴/۵۰	Sig=۰/۰۰۰
غیر سارقان	۱۰۰	۱۲۸/۷۶		

فرضیه ۵: بین جوانان سارق و غیر سارق تفاوت معناداری از لحاظ سطح سواد والدین وجود دارد برای بررسی این فرضیه به دلیل اینکه همگنی واریانس‌ها برابر نبود از آزمون یو من ویتنی استفاده شد. نتایج آزمون نشان می‌دهد که مقدار عددی Sig=۰/۰۰۰، کوچکتر از خطای مفروض پژوهش (۰/۰۵) است و در نتیجه فرض وجود تفاوت معنادار بین دو گروه سارق و غیر سارق از لحاظ سطح سواد والدین تأیید می‌شود. همچنین میانگین نشان می‌دهد در گروه غیر سارق میانگین بیشتری مشاهده شده است یعنی در جوانان غیر سارق سطح سواد والدین بیشتر از جوانان سارق است.

جدول ۶. آزمون یو من ویتنی بین جوانان سارق و غیر سارق از لحاظ سطح سواد والدین

طبقات	تعداد	رتبه میانگین	مقدار آزمون یو من ویتنی	سطح معنی‌داری
سارقان	۱۰۰	۶۹/۱۷	۱۸۶۶/۵۰	Sig=۰/۰۰۰
غیر سارقان	۱۰۰	۱۳۱/۸۴		

بین جوانان سارق و غیر سارق تفاوت معناداری از لحاظ هم‌نشینی با گروه‌های دوستی وجود دارد

جدول ۷. آزمون یو من ویتنی بین جوانان سارق و غیر سارق از لحاظ هم‌نشینی با گروه‌های دوستی

طبقات	تعداد	رتبه میانگین	مقدار آزمون یو من ویتنی	سطح معنی‌داری
سارقان	۱۰۰	۱۱۰/۲۱	۴۰۲۹/۰۰	Sig=۰/۰۲
غیر سارقان	۱۰۰	۹۰/۷۹		

برای بررسی این فرضیه به دلیل اینکه همگنی واریانس‌ها برقرار نبود از آزمون یو من ویتنی استفاده شد. نتایج آزمون نشان می‌دهد که مقدار عددی Sig=۰/۰۲، کوچکتر از خطای مفروض پژوهش (۰/۰۵)

است و در نتیجه فرض وجود تفاوت معنادار بین دو گروه سارق و غیر سارق از لحاظ همنشینی با گروه‌های دوستی تأیید می‌شود. همچنین میانگین نشان می‌دهد در گروه سارق میانگین بیشتری مشاهده شده است یعنی در جوانان سارق همنشینی بیشتری با گروه‌های دوستی نسبت به جوانان غیر سارق داشته‌اند. **فرضیه ۷:** بین جوانان سارق و غیر سارق تفاوت معناداری از لحاظ سلامت عمومی وجود دارد.

برای بررسی این فرضیه به دلیل اینکه همگنی واریانس‌ها برقرار نبود از آزمون یو من ویتنی استفاده شد. نتایج آزمون نشان می‌دهد که مقدار عددی $Sig = 0/000$ ، کوچکتر از خطای مفروض پژوهش ($0/05$) است و در نتیجه فرض وجود تفاوت معنادار بین دو گروه سارق و غیر سارق از لحاظ سلامت عمومی تأیید می‌شود. همچنین میانگین نشان می‌دهد در گروه غیر سارق میانگین بیشتری مشاهده شده است یعنی در جوانان غیر سارق سلامت عمومی بیشتری نسبت به جوانان سارق وجود دارد.

جدول ۸. آزمون یو من ویتنی بین جوانان سارق و غیر سارق از لحاظ سلامت عمومی

طبقات	تعداد	رتبه میانگین	مقدار آزمون یو من ویتنی	سطح معنی‌داری
سارقان	۱۰۰	۷۴/۵۱	۲۴۰۱/۰۰	Sig=۰/۰۰۰
غیر سارقان	۱۰۰	۱۲۶/۴۹		

فرضیه ۸: بین جوانان سارق و غیر سارق تفاوت معناداری از لحاظ عمل به باورهای دینی وجود دارد. برای بررسی این فرضیه به دلیل اینکه همگنی واریانس‌ها برقرار نبود از آزمون یو من ویتنی استفاده شد. نتایج آزمون نشان می‌دهد که مقدار عددی $Sig = 0/000$ ، کوچکتر از خطای مفروض پژوهش ($0/05$) است و در نتیجه فرض وجود تفاوت معنادار بین دو گروه سارق و غیر سارق از لحاظ عمل به باورهای دینی تأیید می‌شود. همچنین میانگین نشان می‌دهد در گروه غیر سارق میانگین بیشتری مشاهده شده است یعنی در جوانان غیر سارق عمل به باورهای دینی بیشتری نسبت به جوانان سارق وجود دارد.

جدول ۹. آزمون یو من ویتنی بین جوانان سارق و غیر سارق از لحاظ عمل به باورهای دینی

طبقات	تعداد	رتبه میانگین	مقدار آزمون یو من ویتنی	سطح معنی‌داری
سارقان	۱۰۰	۸۷/۸۴	۳۷۳۳/۵۰	Sig=۰/۰۰۰
غیر سارقان	۱۰۰	۱۱۳/۱۷		

فرضیه ۹: بین جوانان سارق و غیر سارق تفاوت معناداری از لحاظ مهاجرت و حاشیه نشینی وجود دارد. برای بررسی این فرضیه به دلیل اینکه همگنی واریانس‌ها برقرار نبود از آزمون یو من ویتنی استفاده شد. نتایج آزمون نشان می‌دهد که مقدار عددی $\text{Sig} = 0/000$ و کوچکتر از خطای مفروض پژوهش ($0/05$) است و در نتیجه فرض وجود تفاوت معنادار بین دو گروه سارق و غیر سارق از لحاظ مهاجرت و حاشیه‌نشینی تأیید می‌شود. همچنین میانگین نشان می‌دهد در گروه سارق میانگین بیشتری مشاهده شده است یعنی در جوانان سارق مهاجرت و حاشیه‌نشینی بیشتر وجود داشته است. این نتایج نشان می‌دهد مهاجرت و حاشیه‌نشینی جوانان بدون خانواده و سرپرست ارتکاب به سرقت آنها را افزایش می‌دهد.

جدول ۱۰. آزمون یو من ویتنی بین جوانان سارق و غیر سارق از لحاظ مهاجرت و حاشیه‌نشینی

طبقات	تعداد	رتبه میانگین	مقدار آزمون یو من ویتنی	سطح معنی‌داری
سارقان	۱۰۰	۱۲۱/۵۳	۲۸۹۷/۰۰	$\text{Sig} = 0/000$
غیر سارقان	۱۰۰	۷۹/۴۷		

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش حاضر درخصوص فرضیه اول نشان داد که بین دو گروه سارق و غیر سارق در متغیر از هم گسیختگی خانواده تفاوت معناداری وجود دارد. همچنین میانگین نشان می‌دهد در گروه سارقان میانگین بیشتری مشاهده شده است یعنی در جوانان سارق از هم گسیختگی خانواده بیشتر از جوانان غیر سارق است. این یافته با یافته پژوهش‌های محسنی تهریزی و پروین (۱۳۸۸) و زمانی (۱۳۹۱) و نظریه شرایط آنومیک خانواده ویلیام گود همسو است. همچنین نتایج آزمون فرضیه دوم نشان داد که بین جوانان سارق و غیر سارق تفاوت معناداری از لحاظ اعتیاد جوانان وجود دارد. میانگین‌ها نشان داد که گروه سارقان بیشتر از غیر سارقان دچار اعتیادند. این یافته با نتایج پژوهش زمانی (۱۳۹۱) و نظریه فشار عمومی آگنیو و فشار مرتون هم‌جهت و هماهنگ است.

وجود تفاوت بین جوانان سارق و غیر سارق به لحاظ نابسامانی اقتصادی نتیجه‌ای بود که از آزمون فرضیه سوم به دست آمد؛ میانگین حاکی از آن بود که نابسامانی اقتصادی در گروه سارقان بیشتر از گروه غیر سارق است که با یافته‌های پژوهش امروقلو و همکاران (۲۰۰۱)، وینبرگ و موستارد (۲۰۰۲) و بانانو و همکاران (۲۰۰۸) و نظریه‌های کنترل هیرشی و فشار ساختاری مرتون هم‌جهت است. نتیجه دیگری که

از آزمون فرضیه چهارم به دست آمد، وجود تفاوت معنادار به لحاظ سطح سواد جوانان بین جوانان سارق و غیر سارق بود، به این معنا که میزان سطح سواد جوانان غیر سارق بیشتر از جوانان سارق بود. این نتیجه با نتایج پژوهش محسنی تبریزی و پروین (۱۳۸۸) و بانانو و همکاران (۲۰۰۸) و نظریه هیرشی هماهنگ است. نتیجه حاصل از فرضیه پنجم حاکی از وجود تفاوت معنادار به لحاظ سطح سواد والدین جوانان سارق و غیر سارق بود به این معنا که میزان سطح سواد والدین جوانان غیر سارق بیش از والدین جوانان سارق بود. این نتیجه با نتایج پژوهش زمانی (۱۳۹۱) همسو است.

از دیگر نتایج این پژوهش، وجود رابطه معنادار بین جوانان سارق و غیر سارق به لحاظ همنشینی با گروه‌های دوستی بود که از آزمون فرضیه ششم به دست آمد. میانگین گروه سارق بیشتر بود یعنی جوانان سارق همنشینی بیشتری با گروه‌های دوستی (منحرف) نسبت به جوانان غیر سارق داشته‌اند. که همسو با نتایج پژوهش محسنی تبریزی و پروین (۱۳۸۸)، علوی (۱۳۸۹) و زمانی (۱۳۹۱) و هم جهت و هماهنگ با نظریه یادگیری افتراقی ساترلند است. نتایجی که از آزمون فرضیه هفتم به دست آمد حاکی از این بود که بین جوانان سارق و غیر سارق تفاوت معناداری به لحاظ سلامت روانی وجود دارد، به این معنا که جوانان غیر سارق سلامت روانی بیشتری نسبت به جوانان سارق دارند. این یافته با نظریه سلامت عمومی آلفرد آدلر همسو است. همچنین نتایج فرضیه هشتم نشان داد که بین جوانان سارق و غیر سارق تفاوت معناداری به لحاظ عمل به باورهای دینی وجود دارد، با این تفاوت که جوانان غیر سارق بیشتر به باورهای مذهبی عمل می‌کردند. نتایج این پژوهش با پژوهش کاپل و همکاران (۲۰۰۵) و نظریه کنترل هیرشی همسو و هم جهت است. در نهایت نتیجه آزمون فرضیه نهم نشان داد که بین جوانان سارق و غیر سارق تفاوت معناداری از لحاظ مهاجرت و حاشیه نشینی وجود دارد، یعنی در جوانان سارق مهاجرت و حاشیه‌نشینی بیشتر وجود داشته است. این نتیجه با نتایج پژوهش‌های دینداری و همکاران (۱۳۹۰)، پورغالی و مهدی نصر (۱۳۹۰) و نیک طبع و پورخاتون (۱۳۹۰) و نظریه بوم‌شناختی همسو و هماهنگ است.

پیشنهادها

با توجه به اهمیت زیادی که خانواده دارند پیشنهاد می‌شود؛ سازمان‌های ذی‌ربط به تهیه بروشورها، برگزاری کلاس‌های آموزشی و تدوین مجله‌های خانوادگی و مانند آن برای خانواده‌ها همت گذاشته و در آنها به نقش خانواده در رقم خوردن سرنوشت جوانان و فرزندان خانواده توجه کرده و آن را گوشزد کنند.

از یافته‌های این پژوهش رابطه بین اعتیاد و سرقت بود، یکی از دلایلی که افراد به خود تخریبی و اعتیاد روی می‌آورند فشارهای موجود در جامعه و تبعیضاتی است که فرد شاهد آن است، بر این اساس توصیه می‌شود مسئولان شرایط برابری را برای جوانان مهیا کنند تا احساس تبعیض در افراد شکل نگیرد یا کم‌رنگ‌تر شود.

از دلایل دیگری که فرد به سرقت روی می‌آورد، نابسامانی‌های موجود اقتصادی و بیکاری جوانان بود، بر همین اساس پیشنهاد می‌شود، زمینه برای اشتغال جوانان فراهم شود و یا تخصیص وام‌های خوداشتغالی به جوانان واجد شرایط بیشتر مدنظر قرار گیرد.

از دیگر یافته‌های پژوهش حاضر رابطه سواد با سرقت بود، بنابراین توصیه می‌شود کلاس‌هایی در زندان برای جوانان سارق تشکیل شود تا ضمن اینکه سطح سواد فرد بالا می‌رود، آگاهی وی نیز در زمینه‌های مختلف افزایش یابد.

از دیگر نتایج این پژوهش، رابطه معنادار دینداری و سرقت بود، بنابراین پیشنهاد می‌شود، مسئولان زندان از ظرفیت دینداری جوانان سارق استفاده کنند و با برگزاری کلاس‌های مذهبی و آشناسازی آنها با مبانی اسلام، احساسات مذهبی‌شان را تحریک کرده تا جوانان سارق کمتر به سرقت دوباره فکر کنند. از یافته‌های دیگر رابطه سلامت روان و سرقت بود، بر این اساس پیشنهاد می‌شود، کلاس‌ها و کارگاه‌های آموزشی با محوریت سلامت روان برای جوانان سارق در زندان برگزار شود.

فهرست منابع

- احمدی، حبیب. (۱۳۸۴). رهیافت نظری ترکیبی در تبیین انحرافات اجتماعی. مجله علوم انسانی دانشگاه الزهراء (س)، (۳۲)، صص ۱-۱۶.
- پورغالی، الهام و مهدوی نصر، حمید. (۱۳۹۰). بررسی رابطه بین تغییرات اجتماعی- فرهنگی و تغییرات میزان آسیب‌های اجتماعی در استان لرستان. همایش هجوم خاموش. خرم آباد.
- جلایی پور، حمیدرضا و حسینی نثار، مجید. (۱۳۸۳). عوامل اجتماعی مؤثر بر بزهکاری نوجوانان (مطالعه موردی شهر رشت). تحقیقات علوم اجتماعی ایران، (۲)، صص ۵۰-۷۲.
- دیندار، رقیه؛ عالی‌زاده، موسی و ستوده، مجتبی. (۱۳۹۰). مهاجرین و سرقت‌های مسلحانه در کلانشهرها. همایش هجوم خاموش. خرم آباد.
- رسته‌مقدم، آرش. (۱۳۸۵). عامل بزهکاری نوجوانی از رویکرد سیستمی. تهران: اداره کل مشاوره و مددکاری نیروی انتظامی.
- رفیع پور، فرامرز. (۱۳۷۸). آناتومی جامعه. چاپ اول. تهران: شرکت سهامی انتشار.

- زمانی، محمد. (۱۳۹۱). عوامل اجتماعی مؤثر بر سرقت نوجوانان و جوانان (مطالعه موردی شهر ایلام)، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی. تهران: دانشکده علوم اجتماعی.
- ستوده، هدایت‌الله. (۱۳۸۶). آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات). چاپ هجدهم. تهران: انتشارات آوای نور.
- عباس‌زاده، محمد؛ سعادت، موسی و کسب و کار، حسین. (۱۳۸۹). خشونت خانگی، تهدیدی علیه سلامت روانی (مطالعه جامعه‌شناختی زنان متأهل شهر تبریز). مطالعات امنیت اجتماعی، (۲۴)، صص ۶۲-۹۰.
- علوی، سیدحمیدرضا. (۱۳۸۹). تأثیر عوامل اجتماعی بر گرایش افراد به اعتیاد، سرقت و روسپیگری. مجله اسلام و پژوهش‌های تربیتی، (۲)، صص ۵-۲۰.
- کاوه، محمد. (۱۳۹۱). آسیب‌شناسی بیماری‌های اجتماعی. جلد اول. چاپ اول. تهران: نشر جامعه‌شناسان.
- محسنی تبریزی، علیرضا و پروین، ستار. (۱۳۸۸). بررسی عوامل مؤثر بر سرقت نوجوانان مطالعه موردی: شهر کرمانشاه. جامعه‌شناسی کاربردی، (۳)۲۰، صص ۳۷-۵۰.
- ممتاز، فریده. (۱۳۸۱). انحرافات اجتماعی: نظریه‌ها و دیدگاه‌ها. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- نوربها، رضا. (۱۳۸۳). زمینه حقوق جزای عمومی. چاپ نهم. تهران: انتشارات دادآفرین.
- نیک‌طبع، سمانه؛ پورخاتون، اعظم. (۱۳۹۰). آسیب‌های اجتماعی و مهاجرت در سکونتگاه غیر رسمی (محل حکیم کرمان). همایش هجوم خاموش. خرم آباد.

- Agnew, Robert. (1992). Foundation for a general strain theory of crime and delinquency *Criminology*, 30, pp 47-87.
- Buonanno, P., Bianchi, M., and Pinotti, P. (2008). Do immigrants cause crime Working. Paris School of Economics.
- Chapell, M. S., Blanding, Z. B., Silverstein, M. E., Takahashi, M., Newman, B., Gubi, A. & Mccann, N. (2005). Test anxiety and academic performance in undergraduate and graduate students. *Journal of Educational Psychology*, 97(2), pp 268-274.
- Drapela, L.A. (2000). The effect of negative emotions on illicit druge use emong high school dropouts: an empirical test of general strain theory. *journal of youth and adolescence*, 35(5), pp 752-767.
- Goode, W. J. (1989). *The family*. 2nd ed. New Delhi: Prentice Hall of India.
- Imrohroglu, A, Merlo, A & P. Rupent. (2001). What Accounts for the Decline in Crime. Federal Reserve Bank of Cleveland.
- Moon, Byongook., Blurton, David & McCluskey, John D. (2008). General Strain Theory and Delinquency: Focusing on the Influences of Key Strain Characteristics on Delinquency *Crime Delinquency*, 54(4), pp 582-613.
- Slocum, L. A., simpson, S. S. & smith, D. A. (2005). Strained lives and crime: examining intra individual variation in strain and offending in a sample of incarcerated women. *Criminology*, 3(4), pp 1076-1110.
- Weinberg & David, B. Mustard. (2002). Crime Rates and Local Labor Market Opportunities in the United States: 1979-1997. *The Review of Economics and statistics*, MIT press, 84(1), pp 45-61.